



صالح سرداری
Sardari@web.de

این حزب نیز در کردستان ایران به قدرت برسد، آمریکا همان جنگی را که در عراق انجام داد، در ایران هم به انجام برساند. نوشته اند: "اینکه آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت امروز جهان از تغییر سیاسی خاورمیانه به مفهوم از میان برداشتن دیکتاتوری، و تامین آزادی و

صفحه ۲

حزب دمکرات در حسرت جنگ آمریکا در ایران

در حاشیه نوشته‌های آقایان آرش گمانگیر و تقی روزبه

سرانجام حزب دمکرات کردستان ایران با صادرکردن بیانیه ای و با تاخیری فراوان سکوت خود را در مورد جنگ آمریکا علیه عراق شکست. با این بیانیه، حزب دمکرات رسماً به کمپ طرفداران حضور آمریکا و نظم نوین جهانی پوش و بلر پیوست. با حضور نیروهای آمریکا در منطقه دریچه ای برای رسیدن به "خودمختاری" و سهم شدن در بخشی از قدرت را در مقابل خود دید. فکر میکند روز موعود برایش فراهم شده است. تجربه احزاب برادر خود در کردستان عراق را در جلو چشم خود می بیند. لازم بود این تاخیر

زیر سطح

آمریکا و معضل اداره عراق

ایرج فرزاد

روزنامه واشنگتن پست اصطلاح "اشغالگر" را برای توصیف حاکمیت ژنرال گارنر و حکومت منتخبین دولت آمریکا بر مردم عراق بکار برده است. و این نه اشتباهی سهوی است و نه نیش و کنایه ای است به عملیات "آزادسازی" پرزیدنت بوش علیه مردم عراق. فرمولی است برای توجیه مشکلاتی که آمریکا و لیست کاندیدهای اجیر برای پیشبرد مقام ژاندارمی آمریکا، از هم اکنون با آن دست به گریبان اند.

این روزها ژنرال منتخب پنتاگون، از تعدادی که قرار است حکومت انتقالی تحت ولایت و نظارت آمریکا را در عراق تشکیل دهند، بحث کرده است و نام ۵ نفر از آنها: آقایان احمد چلبی، مسعود بارزانی و جلال طالبانی و حجت الاسلام عبدالعزیز الحکیم، اخوی باقر حکیم، و ایاض علاوی از جریانی بنام میثاق ملی عراق را ذکر کرده است. این ۵ نفر را اسم برده اند چرا که به نظرشان از "خوشنام" ترین های منتخب آمریکاییان "اشغالگر" اند. گارنر ماه مه امسال را روزهای مهمی میدانند و به قول ایشان تا آخر مه معلوم خواهد شد یا کارها را بهر حال روی غلطک خواهند انداخت و یا رشته ها پشان پنبه خواهد شد. در ورای وعده و وعیدها و نشست و برخاستها

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

تلویزیون انترناسیونال

روزهای یکشنبه

ساعت ۵ و نیم بعداز ظهر

و جمعه

ساعت ۵ و نیم شب بوقت تهران

از شبکه تلویزیونی کانال یک

پخش میشود

آدرس تماس:

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۵۹۰۲۲۳۷

فاکس: ۰۰۱۵۰۳۲۱۲۱۷۳۳

ای میل:

wpi_tv@yahoo.com

سایت اینترنت:

www.rowzane.com

مدیر مسئول: آذرمدرسی



میکنم کمابیش در سراسر ایران به این شکل است، اما اینجا صحبت در مورد جوانان در کردستان متمرکز است و این

صفحه ۳

جوانان در کردستان

گفتگو با رحمان حسین زاده

به نقل از جوانان کمونیست شماره ۷۵

مشاهده است. جوانان نسلی گریزان از مذهب و عقب ماندگی، گریزان از نرهای سنتی موجود و عمدتاً متمایل به رادیکالیسم و نیروی چپ بوده‌اند. صرفنظر از محدودیتها و فشارهایی که در فضای سیاسی جامعه بوجود آمده، هر مقطع از سیر تحولات سیاسی جامعه کردستان را در این دو دهه و نیم برش میزنی، متوجه میشوی جوانان بطور عمده خود را به چپترین گرایش و سازمان سیاسی موجود در صحنه وصل کرده‌اند. شفافتر از گذشته، وضعیت فعلی هم به همین شکل است. این بخش جامعه نیروی موثر تقویت چپ و کمونیسم را تشکیل داده‌اند. جوانان در کردستان نیروی موثری هستند که در اهداف و سیاستها و توقعات و آرزوهایشان کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری را با خود منطبق می‌بینند. البته خصوصیتی که از آن بحث

مصطفی صابر: با تشکر، لطف کنید از موقعیت جوانان در کردستان بگویید. اعتراض آنها، نقش آنها، خواسته ها و مطالباتشان.

رحمان حسین زاده: نسل جوان در کردستان، نسلی پرجنب و جوش، میلیتانت و رادیکال در صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان است. ما این خصوصیات جوانان را در تحولات و تظاهراتهای سال ۵۷ در شهرهای کردستان و علیه رژیم سلطنت تجربه کردیم. در تداوم تحریک انقلابی سالهای بعد، در طول حاکمیت جمهوری اسلامی و در ابعاد مختلف اعتراض مردم کردستان چه سیاسی و چه در عرصه نظامی نقش نسل جوان را با برجستگی می‌بینیم. در بررسی تحولات سیاسی بیش از دو دهه در جامعه کردستان، از انقلاب ۵۷ تاکنون به روشنی خلاف جریان بودن و سنت شکنی جوانان قابل

قطعنامه کارگران در مراسم اول مه ۲۰۰۳

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

« زیر سطح

عشایر بر کردستان عراق با تشکیل حکومت مرکزی و بازسازی ارتش عراق، منحل خواهد شد. انحلال نیروهای نظامی احزاب حاکم در کردستان عراق، نقطه پایانی بر بند و بستها و خوش خدمتی های آنان برای حکومت های منطقه خواهد گذاشت و بساط و دکان لفت و لیس سران احزاب ناسیونال عشایر و اقبای دور و نزدیکشان را که در میان دریائی از فقر و فلاکت مردم و فقدان هر نوع موازین مدنی طی این ۱۲ سال اخیر ادامه یافت، تعطیل خواهد کرد. گذرگاهی که از طریق آن و به یاری حکام خود خوانده، جمهوری اسلامی و ترکیه را نیز بالای سر مردم رسانده بود و جریانات حلقه بگوشی از نوع و قماش سازمان قوم پرست زحمتکشان و جبهه ترکمنی میت را سرهم بندی و بازسازی و حسینیه و قرارگاه رمضان را بازبایی و مستقر کرده بودند، بسته خواهد شد.

مهم این است که شهروندان جامعه و نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست، بتوانند مدنیت را به کردستان عراق بازگردانند و در خلائی که ایجاد میشود در مقابل نقشها و سناریو سیاه دولت بوش و کارگزاران و اجبران محلی آن، اراده و عزم خود را به میدان آورند. جامعه عراق میتواند سناریو انسانی را تعقیب کند.

در حکومت تحت ولایت و نظارت دیپلماتها و ژنرالهای دارای رتبه و قبه در خدمت به سیا، جانی برای حقوق و آزادیهای اساسی مردم عراق نیست. بحتی از آزادی فعالیت سیاسی و ابراز عقیده و بیان در میان نیست. حذف نیروی مردم در شکل گیری نظام سیاسی عراق بخش مکمل جنگ بوش و بلر علیه مردم بود و کماکان هست. مردم اما باید و میتوانند علیه این سناریو بایستند. مردم حق دارند بر سرنوشت خود حاکم باشند و با دخالت خود و اعمال اراده خویش، نظام سیاسی جامعه عراق را تعیین کنند.

در این رابطه تنها حزب کمونیست کارگری عراق است که وجدان بیدار توده های مردم کارگر و زحمتکش عراق است. حول پرچم حزب کمونیست کارگری و برای تعیین سرنوشت سیاسی جامعه عراق باید متحد شد. این تنها راه مقابله با سناریو سیاهی است که حکام منتخب پنتاگون و نوکرهای قومی و عشیره ای و مذهبی و مزدوران تربیت شده و دست چین شده سیا برای جامعه عراق تدارک دیده اند.

۶ مه ۲۰۰۳

حزب دمکرات...

(از صفحه اول)

مطلب دیگری: "نقدی بر چرخش به راست حزب دمکرات کردستان ایران" منتشره در سایت های فارسی زبان متوجه شده اند که حزب دمکرات با این موضع گیری اش دچار اشتباه شده و این موضع حزب را نقد کرده اند. اینکه نویسندگان این دو مطلب بعد از سالها افشاگری کمونیستها گوشه کوچکی از ماهیت راست حزب دمکرات را در جریان این جنگ منعکس میکنند، مثبت است. اما هنوز حق مطلب را ادا نکرده و در این مطالب حکم های نادرست و غیر واقعی صادر کرده اند. نویسنده مطلب "ماکیاولیسم سیاسی" اشاره کرده که "از نظر حزب دمکرات دهها میلیون نفر شرکت کننده در جنبش جهانی صلح و احزاب سوسیال دمکرات اروپایی که عموما حامیان سنتی این حزب بشمار می رفته اند و ..."

این ادعا واقعی نیست. احزاب سوسیال دمکرات در اروپا که حزب دمکرات کردستان سعی کرده خود را به آنها آویزان کند، نمایندگی دهها میلیون نفر شرکت کننده در جنبش ضد جنگ را نمی کنند که آقای روزبه اینچنینی می سخاوتمندی به حزب دمکرات می بخشد.

آقای روزبه این موضعگیری حزب دمکرات را "گسست از تاریخ مبارزاتی این حزب" نامیده است که اتفاقا این موضعگیری حزب دقیقا در تداوم تاریخ "مبارزاتی" و سنت این حزب است.

در مطلب دیگر بنام "نقدی بر چرخش سیاسی حزب دمکرات کردستان" آقای آرش کمانگیر حزب دمکرات را "حزبی چپ و مترقی" معرفی می کند. در مورد ادعای "چپ" بودن این حزب، آقای کمانگیر شاید متوجه نیست که احتمالا حزب دمکرات به دلیل چسپانیدن اتهام "چپ" بر خود، علیه وی اعلام جرم کند. بهتر بود که آقای کمانگیر به عنوان یکی از متحدین حزب دمکرات بپرسد که آیا مجاز است که این ادعای چپ بودن را به آنها بزنند. آقای کمانگیر در مطلبش سعی می کند، که سابقه ای چپ برای این حزب درست کند. البته شاید تعریف احزاب چپ از نظر او از اجزای از نوع همین حزب دمکرات است که در مطلبش سعی می کند یکبار دیگر اهداف اولیه آمریکا از

حمله به عراق را، و سپس تغییر شعارهای آمریکا را در این پروسه به حزب "چپ" و "مترقی" اش گوشزد کند و این حزب را قانع کند که موضعش را عوض کند. آقایان روزبه و کمانگیر نمی دانند که حزب دمکرات بسیار سیاسی تر و با سنت تر و جاقفاده تر از این است که متحدینش فکر کرده و یا می کنند. حزب دمکرات بر خلاف این حکم اتفاقا برای کسانی که بدور از نزدیکی های سیاسی و اتحاد و ائتلاف بازی، تاریخ این حزب را بررسی کنند، بخوبی متوجه می شود که این موضع گیری حزب دمکرات دقیقا مبتنی بر سنت ها و اهداف این حزب بوده است. تاریخ حزب دمکرات پر از زد و بند با دولتهای ارتجاعی و آمادگی برای تبدیل شدن به ابزار دست قدرتهای بزرگ و در دوران اخیر آمریکا میباشد.

برای حزبی که استراتژی رسیدن به قدرت را، از طریق چشم دوختن به بالا، زد و بند با دولت ها و قدرتهای منطقه و دور زدن مبارزه مردم تعقیب می کند، برای حزبی که می خواهد مردم را از دخالت در تعیین سرنوشت خود دور کند، و تنها برای امتیازگیری بفع حزب خود توده ها را به رخ رقیب می کشد، اتخاذ چنین سیاستی عین همان و در ادامه سنت تاقونوی حزب دمکرات می باشد.

حزب دمکرات کردستان اکنون در نزدیکی مقرها و اردوگاههای رهبریش شاهد حضور نظامیان آمریکا در عراق است. می داند که آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی مشکل دارد. احزاب برادر خود را در کردستان عراق که دارند حاکمیت خود را بر مردم کردستان عراق تحمیل می کنند، می بیند. بوی رسیدن به ریاست چند پاسگاه و اداره دولتی به مشام اش رسیده است. طبیعی است که فکر کند شانس بزرگی نیز برای تحقق خودمختاری اش به سراغش آمده است. از نظر خودش شانس طلایی در خانه این حزب را می زند. خود را در نزدیکی متحقق کردن این استراتژی زیر سایه موشک ها و نظامیان آمریکایی می بیند. دیگر توصیه ها و دلداریهای متحدین و موثلفینش را هم نمی شنود. و قطعا از سابقه "چپ" تراشیدن آقای کمانگیر نیز بشدت عصبانی اند. زیرا ممکن است در بارگاه نظامیان آمریکا برایشان مزاحمتی فراهم نماید. برخلاف ادعای آقایان روزبه و کمانگیر، طبق همان استراتژی خود، طبیعی ترین موضع گیری



جوانان در کردستان (از صفحه اول)

موقعیت به طور ایزکتیو خود را نشان داده است.

در تظاهراتهای خیابانی ۳-۴ ساله اخیر، در مناسبتهای سر سال نو، در ۸ مارسها و ماه مهماو سالگردهای حزب کمونیست کارگری و... جوانان حضور فعال و مبتکرانهای داشته‌اند و در این مبارزات سراسر خالصی از دست جمهوری اسلامی و سرنگونی آن را خواستار بوده‌اند.

خالصی از دست جمهوری اسلامی برای نسل جوان دختر و پسر معنایی فراتر از پایان تهدید و سرکوب عریان، زندان و شکنجه و اعدام، ستم و استثمار و تبعیض دارد. خالصی از دست جمهوری اسلامی در ذهنیت و آرزوی آنها، یعنی خالصی از بیکاری و بی‌آیندگی، خالصی از فقر و تباهی، خالصی از محدودیت‌های سرراه ابراز عشق و علاقه و رابطه جنسی آزاد، خالصی از دخالت در زندگی خصوصی و رفتار فردی آنها، خالصی از فرسودگی روحی و جسمی، خالصی از تحصیل اسلامی و خالصی از جمود فکری و از قید و بندهای اسارت‌بار اسلامی و سنتی، خالصی از نرمها و قوانین و پوشش اسلامی و خالصی از موانع سر راه ترقی و پیشرفت و ابتکار و... همه اینها خواسته‌های جوانان هستند. قابل توجه است همه این خواسته‌های انسانی و متنوع در شرایط سیاسی ایران از نظر جوانان فصل مشترکشان

شعار "سرنگونی جمهوری اسلامی" است. توده وسیعی از جامعه که پا به سن جوانی گذاشته و شروع کرده زندگی را تجربه کند، عیش آن را دارد آزادانه و به دور از هر فشار مرئی و نامرئی زندگی را با همه ابعادش تجربه کند. برای تجربه کردن هر بعد زندگی با مانع اسلام و پیامدهای حاکمیت جمهوری اسلامی روبرو میشود. به همین دلیل نیروی دخیل هر اعتراض و مبارزای علیه جمهوری اسلامی است. این واقعیت را در کردستان با برجستگی می‌بینیم. **مصطفی صابو:** گفتید که وضع مشابه نقاط دیگر ایران است، اما تمایزها و ویژگی‌های خاص کردستان چیست؟

رحمان حسین زاده: فضای فکری سیاسی و حتی رفتار و کدهای اجتماعی جوانان در کردستان اساسا تحت تاثیر تحولات سیاسی و اجتماعی و تحرک جوانان در سطح سراسری است. فاکتورهایی بعضی شرایط متفاوت را در تحرک و مبارزه جوانان در کردستان بوجود آورده است. جامعه کردستان به دنبال سرکار آمدن جمهوری اسلامی سیر متفاوت سیاسی و ابعاد متفاوتی از اعتراض و مقاومت را علیه جمهوری اسلامی به خود دید. من اینجا وارد دلایل آن نمی‌شوم. این وضعیت تناسب قوای مساعدتر را در مقابل جمهوری اسلامی شکل داد. مبارزهای سراسر و رودررو و بخشا

مسلحانه علیه جمهوری اسلامی شکل گرفت. چه آنجا که اعتراض تودهای و شهری شکل گرفت و چه در مقاومت مسلحانه نیروی جوان نقش عمده‌ای داشت. میلیتانیسی این مبارزه بالا بود و در نتیجه جمهوری اسلامی و هیچ جناحی از آن در هیچ دوره‌ای و در هیچ مقطعی نتوانستند در میان جوانان و در محیط دانشگاه و دبیرستان، و محیط آموزشی در کردستان، مابه ازایی دست و پا کنند. منظوم اینست برای مثال آن طور که "دفتر تحکیم وحدت" بوجود آمد و یا دوم خرداد در سالهای اخیر در محیط دانشگاه و آموزشی هر چند موقتی توانسته بود به تشکلهای دانشجویی مربوط به خود شکل دهند، چنین پدیده‌ای در محیط جوانان و محیط آموزشی و دانشجویی در کردستان موضوعیت پیدا نکرد. جنبه دیگر این مسئله ربط مستقیم جوانان به احزاب سیاسی اپوزیسیون و مشخصا اپوزیسیون چپ است. تحولات دو دهه و نیم اخیر کردستان تحزب و نقش احزاب در مبارزه سیاسی را برجسته کرده است. تحرک جوانان در محیط آموزشی و در محلات مستقیمی تحت تاثیر احزاب بوده است. می‌خواهم این را تاکید کنم جوانان در کردستان عمدتا بعد حزبی و سیاسی مبارزه علیه جمهوری اسلامی را تجربه کرده‌اند. و به این لحاظ با تجربه‌تر از هم نسلهای خود در سطح سراسری هستند. اما ابعاد دیگر تحرک اجتماعی و سیاسی که در سطح

خواهد داد، همزمان هیئت دیگری را به قم به بارگاه خمینی فرستاد که خمینی غیر از تحقیر و تمسخر آنها کاری برایشان نکرد. نمونه‌های متعددی را می‌توان در تاریخ مبارزات احزاب ناسیونالیست کرد و از جمله حزب دمکرات به عنوان یک حزب جافتاده ناسیونالیستی نشان داد، که این نوع موضعگیری‌ها بر خلاف نظر این دوستان دقیقا منطبق بر سیاست‌ها و اهداف آنها بوده است. برای احزابی که کل استراتژی شان را همین دیپلماسی و امتیاز بدست آوردن در لایبالی شکاف و اختلاف دولت‌ها تشکیل می‌دهد، و از جمله حزب دمکرات کردستان ایران این طبیعی‌ترین و منطبق‌ترین موضع‌گیری با سیاست‌ها و سنت‌هایی بود که در بیانیه

◀◀ حزب دمکرات... ▶▶

حزب دمکرات یعنی مضمون همین بیانیه را اتخاذ کرده‌اند. اگر غیر از این بود جای تعجب داشت. آقایان باور کنید.

جهت یادآوری این دوستان این اولین بار نیست که این حزب در چنین موقعیتی‌هایی، یعنی وقتی احساس کرده که رسیدن به اهدافش نزدیک بوده، چنین موضعگیری‌ای را کرده است. بگذار فقط به یک نمونه اشاره کنم. در سال ۵۸ درست همان وقتی که این حزب سخنگوی "هیات نمایندگی خلق کرد" بود و نمایندگانش در این هیئت با نمایندگان دولت موقت بازرگان مشغول مذاکره بودند، چون فکر می‌کرد ممکن است اگر تنهایی وارد مذاکره شود جمهوری اسلامی امتیازاتی به وی

چقدر با کشمکش فی‌الحال این دو گرایش در میان جوانان انطباق دارد، چون کشمکش با جمهوری اسلامی و محدودیت‌ها و فشار و آثار و عوارض این رژیم وقت و نیرو و اولویت دیگری را در دستور جوانان به صدر میکشاند. در هر حال آنچه قطعی است این کشمکش در میان این دو گرایش جاریست. انکار نمی‌کنم جریان ناسیونالیستی کرد در میان جوانان نیز سطحی از حضور و نفوذ را نمایندگی میکند. بویژه در سالهای اخیر جمهوری اسلامی و اتفاقا هر دو جناح آن جهت کنترل اوضاع و جهت مقابله با روند رادیکال و چپ در جامعه کردستان فضای مساعدی را برای تبلیغ و اشاعه سیاست و تاریخ و ادبیات ناسیونالیستی کرد مهیا کرده است. روزنامه و مجلات ناسیونالیستی و انستیتو و کنگره و سمینارهایی به منظور احیا و اشاعه فرهنگ و شعر و ادبیات منحن ناسیونالیستی ایجاد کرده‌اند. به نحوی که آنچه در مورد ملی‌گرایی و ناسیونالیسم کرد و تاریخ و گذشته و "اقتخارات" آن در این کانالهای مجاز و بعضا دولتی نوشته و گفته میشود، چیزی کمتر از فعالیت سیاسی تبلیغی جریانی مثل حزب دمکرات نیست که به عنوان "آگاهگری ملی" به آن افتخار میکنند.

با این وصف نفوذ ناسیونالیسم نه گسترده است و نه عمیق. دلیل ساده آن قبل از هر چیز اینست که ناسیونالیسم کرد نه تنها از نسل جوان جامعه عقب است بلکه در موارد متعددی در مقابل امیال و آرزوهای این نسل قرار میگردد. به فاکتهایی میشود اشاره کرد. ناسیونالیسم کرد مذهب زده است، نسل جوان گریزان از مذهب و ضد مذهب است. ناسیونالیسم کرد در فرهنگ و سیاست و رفتار شرق زده و عقب مانده است، این نسل غرب زده و مدرن است. در برخورد به عشق و علاقه و شادی و نیازهای جنسی و رابطه آزاد بین دختر و پسر ناسیونالیسم کرد ارتجاعی، مرد سالار و ناموس پرست و فرهنگ و رفتار اسلامی دارد و نسل جوان با نفرت دارد علیه این پدیده قیام میکند. به لحاظ فکری و سیاسی و علمی جوان امروزی می‌خواهد به آخرین دستاوردهای پیشرفته انسان متکی باشد، ناسیونالیسم کرد با موعظه حفظ "میراث فکری و سیاسی و

دانشگاهها در محیط آموزشی و در محیط‌هایی که جوانان تجربه کرده‌اند، برای مثال کشمکشهای فکری، جدل گرایشات، اقدامات فرهنگی و هنری، تشکیل نهاد و کلوبهای مختلف و وجود تشکلهای دانشجویی، استفاده از مجراهای "علمی و قانونی" و مبارزات صنفی در میان جوانان کردستان و دانشگاهها و محیط آموزشی آن تجربه نشده و یا در سطح ابتدایی است. در نتیجه از یک طرف در میان جوانان کردستان شاهد میلیتانیسی بالای سیاسی علیه جمهوری اسلامی و آمادگی برای تحزب هستیم و از طرف دیگر ابعاد متنوعتر و پیچیده‌تر تحرک و سازمانیابی در میان جوانان و دانشجویان در کردستان ضعیف است. برای مثال در محیط دانشگاههای موجود در کردستان از "تحرک دانشجویی" آنطور که در تهران و یا شهرهای بزرگ دیگر هست، نمیتوان اسم برد. البته یک عامل هم اینست که دانشگاه جامعه جدیدی در حیات سیاسی کرده کردستان است. در مقطع انقلاب ۵۷ تنها یک دانشگاه در شهر سنندج وجود داشت و در یک دهه اخیر تازه چند دانشگاه و دانشکده در شهرهای کردستان بوجود آمده است. یک ویژگی دیگر اینست که اساسا فضای فکری و سیاسی جوانان در کردستان درست مانند جامعه کردستان عمدتا از کمونیسم و یا ناسیونالیسم کرد تاثیر میگردد. البته در این تاثیر گذاری موقعیت این دو گرایش به یکسان نیست. صرفنظر از میزان فعالیت جریان کمونیستی، بالاتر هم اشاره کردم، نسل جوان جامعه کردستان زمینه و استعداد فراوانی برای پیوستن به چپ و کمونیسم از خود نشان داده است. هژمونی چپ بر فضای سیاسی نسل جوان جامعه ناظر است، تجربه تاکنونی گواه اینست و همه خواهد دال بر اینست کمونیسم کارگری به نیروی موثر جوانان میتواند متکی باشد.

مصطفی صابو: یعنی آیا گرایشهای اصلی که در مقابل هم قرار گرفته‌اند، کمونیسم و ناسیونالیسم است؟ اینرا کمی مشخصتر بگویید. نفوذ جریانات ناسیونالیستی کرد، در بین جوانان چگونه است؟ موقعیت گرایش کمونیستی کارگری چطور است؟

رحمان حسین زاده: نمیدانم عبارت "در مقابل هم قرار گرفتند"



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قطعنامه کارگران

۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) جشن همبستگی طبقه کارگر سراسر جهان گرامی باد. بگذار طبقات ستمگر در برابر قدرت کارگران برخورد بفرزند. کارگران جهان متحد شوید! کارگران! بردگان مزدی امروز نظام سرمایه‌داری، ناجیان بشریت.

نظام سرمایه‌داری منشاء کل مصائب، مشقات، فقر و فلاکت و بدبختیهاست. موجودیت این نظام بر اساس استثمار اکثریتی انسان زحمتکش توسط اقلیتی مفتخور بناست. کارگران در برابر دستمزدی بخور و نمیر نیروی کارشان را به سرمایه‌داران می‌فروشند، کارگران خالق ثروت، امکانات، رفاه و خوشبختی هستند اما خود بی‌بهره‌اند. شکاف طبقاتی در جامعه ما بی‌داد می‌کند. ما کارگران ایران در سخت‌ترین شرایط کار می‌کنیم. دسترنجمان در برابر کمترین دستمزد به تاراج می‌رود. زیر خط فقر بسر می‌بریم. دستمزدمان را می‌زنند. پرداخت حقوقمان را به تعویق می‌اندازند. هرگاه اعتراض می‌کنیم توسط سرمایه‌داران و حامیان آنان از کار اخراج و سرکوب می‌شویم.

کارگران!

برای رهایی از این وضع فلاکت بار باید متحد و متشکل شویم. ما کارگران همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران و سراسر جهان برای تحقق مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اعلام می‌داریم و حمایت خود را از اعتراضات کارگران و معلمان کشور اعلام می‌کنیم. ما کارگران خواهان تامین مطالبات به شرح زیر می‌باشیم.

- ۱- خواهان پرداخت فوری حقوق معوقه کارگران هستیم و همبستگی خود را با کارگران بهشهر برای دریافت حقوق معوقه و کسب مطالباتشان اعلام می‌داریم.
- ۲- مزد برابر در مقابل کار برابر برای زن و مرد

۳- با دریافت دستمزد بسیار ناچیز، زندگی ما کارگران زیر خط فقر قرار دارد. خواهان افزایش دستمزد مکفی برای بالا بردن سطح زندگی کارگران هستیم.

۴- آزادی تشکل برای کارگران بیکار و تامین بیمه‌کاری برای همه افراد بیکار

۵- آزادی تشکل، تجمع و اعتصاب.

۶- آزادی بی‌قید و شرط عقیده و بیان.

۷- جنگ آمریکا و هم‌پیمانانش، دولتها، احزاب و جریان‌های ناسیونالیست و مرتجع منطقه برضد مردم عراق را به شدت محکوم می‌کنیم. دخالت در سرنوشت مردم عراق محکوم است. حق تعیین سرنوشت، حق مردم عراق است.

۸- صف ما کارگران از صف دارودسته خانه‌کارگر و شوراهای اسلامی مستقل است و اقدامات این نهادها وابسته به سرمایه‌داران را در به انحراف کشاندن و سرکوب اعتراضات کارگری محکوم می‌کنیم.

پیروز باد اول ماه‌مه!

کارگران شهرهای، بوکان، بانه، مهاباد، کامیاران، مریوان، سقز، سنندج

کارگران خباز، خیاط، فلزکاران، سازمان آب، گاز، برق، نساجی‌شاهو، نساجی کردستان، سدگاوشان، فرش نقشین، فرش چیم، جمعی از کارگران کورپزخانه‌های آذرشهر، شبستر ساکن مهاباد و بوکان، کارگران شهرداری، کارگران ساختمان، کارگران شهرک صنعتی

جوانان در کردستان

کمونیست و هیئت اجرایی کمیته کردستان باید نقشه حضور مستقیم سازمان جوانان و نحوه کار سیاسی و سازمانی آن تدوین شود و به موجودیت سازمان جوانان کمونیست در کردستان نیز رسمیت داد. من فکر می‌کنم به این ترتیب فعالیت حزب و سازمان جوانان کمونیست هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند و ابعاد جدیدی از کار و فعالیت بر روی ما می‌کشایند و کمونیسم کارگری در موقعیت مطلوبتری قرار خواهد گرفت.

مصطفی صابره: برای تغییر این وضع و رسیدن به موقعیت مطلوبتری که شما هم اشاره کردید به نظر شما چه باید کرد؟ فراخوان شما چیست؟

رحمان حسین زاده: به دو لحاظ بایستی تغییر ایجاد کرد. اول به لحاظ مضمون کار و دوم به لحاظ سازمان و سبک کار. منظورم را بیشتر توضیح دهم. قبلا اشاره کردم جوانان در کردستان سریع به احزاب و مشخصا به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندند و حزب هم تا آنجا که دسترسی داشته و توانسته است آنها را در شبکهای محفلی مربوط به خود، سازمان داده و فعالیت‌های سیاسی و حزبی مشخصی در دستور کارشان گذاشته و این شبکها را به دخالت‌گری در مبارزه علیه جمهوری اسلامی سوق داده است. به این ترتیب بعد فعالیت حزبی تامین شده است و البته این خوب است و هیچ ایرادی ندارد.

اما ابعاد متنوعتر فعالیت و مبارزات متناسب با جوانان مورد توجه قرار نگرفته است. فعالیت‌های فکری، فرهنگی و هنری، ورزشی، ایجاد نهادها و کلوبها و تشکلهای خاص جوانان چه در دانشگاهها و دبیرستانها و محیطهای آموزشی و چه در محلات و دیگر مکانهای تجمع و تمرکز جوانان لازمست شکل گیرد. جاری کردن اقدامات سنت شکنانه و خلاف جریان که معمولا به طور خودبخودی در میان جوانان عمل می‌کند. اینها و عرصها و اقدامات مشخصی که فعالین و پیشروان کمونیست جوانان در محل میتوانند تشخیص دهند، ابعاد اجتماعی و سیاسی دیگری به حضور موثر جوانان در صحنه و در تقابل با خرافه و ارتجاع و اسلام و ناسیونالیسم می‌بخشد. به نظرم موقعیت کمونیسم کارگری را متحول می‌کند. دوما به لحاظ سازمانی جمعها و محافل مستقیمی مربوط به سازمان جوانان کمونیست در شهرها باید سازمان یابند. سازمان جوانان کمونیست دخالت سازمانی و سیاسی خود را تامین کند. نشریه سازمان جوانان و دیگر اطلاعیه و ادبیات این سازمان در شهرهای کردستان تکثیر و پخش شود. ارتباطات خود را منظم و مرتب کند. موضوع دیگر اینکه اگر ابعاد جدید کار را تحت پوشش قرار دهیم علاوه بر محلات که سنتا در آنجا حضور خوبی داشته‌ایم، دبیرستانها به مثابه محل تمرکز

فرهنگی خودمان" دارد آنها را به صد سال قبل برمیگرداند. در یک جمله ناسیونالیسم کرد به گذشته دور تعلق دارد، نسل جوان به حال و آینده مربوط است و تناقض بین جوانان و ناسیونالیسم کرد در همین جا است و به همین دلیل ناسیونالیسم کرد نه تنها بستری نیست که جوانان به آن امید ببندند بلکه مانع پیشرفت این نسل است. در مقطع انقلاب ۵۷ و سالهای بعد از آن ما این تجربه را دیدیم که جوانان از ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات دوری گرفتند و عمدتا به جبهه چپ و کمونیسم پیوستند. و نکته مهمتر در مقابل صف ناسیونالیسم، صف آزادیخواهانه و مترقی و سنت شکن کمونیسم کارگری با برنامه‌های همه جانبه در صحنه حضور دارد. نسل جوان در کردستان آلترناتیو دارد. من در جواب سؤال اول اشاره کردم که کمونیسم کارگری نیروی قوی در میان جوانان است و موقعیت محکم و امید بخشی دارد و فکر می‌کنم با نقشه هدفمندتر میتوانیم سازمان گسترده جوانان کمونیست را سروسامان دهیم.

مصطفی صابره: اما به نظر نمی‌رسد که هنوز ابعاد و فعالیت سازمان جوانان کمونیست، با واقعیت نفوذ کمونیسم و حزب کمونیست کارگری در کردستان خوانایی داشته باشد. نظر شما چیست؟ علت آن چیست؟

رحمان حسین زاده: نفوذ و حضور کمونیسم کارگری در کردستان به نحو قابل مشاهده‌ای به فعالیت و سازمان و شبکهای حزبی متشکل از جوانان پرشور تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری دارای شبکه سازمانی آکتیو عمدتا متشکل از جوانان آگاه و پرشور در شهرهای کردستان است و این اساسا از طریق تشکیلات کردستان حزب و مستقیما از طریق حزب پیش رفته است. به بیان دیگر حزب و بخش شهر تشکیلات کردستان حزب عملا وظیفه تاثیرگذاری و سازمانیابی در میان جوانان را هم به عهده داشته است. علت کم‌کاری و یا شانه خالی کردن سازمان جوانان کمونیست از وظایف خود نبوده است. حقیقتش باتوجه به سابقه قدیمی‌تر سازماندهی فعالیت در شهرها و از جمله در میان جوانان توسط بخش شهر تشکیلات کردستان و با توجه به پیشرفتهای کار و با توجه به این نکته که جوانان مستقیما به حزب می‌پیوندند، در تداوم فعالیت گذشته و در یک قرارداد غیر مکتوب و نه چندان رسمی این طرز فکر در میان ما چه به عنوان سازمان جوانان و چه در کمیته کردستان عمل کرده است که ضرورتی به حضور و دخالت و ایفای نقش سیاسی و سازمانی مستقل و مستقیم سازمان جوانان کمونیست نیست. بعد از این توضیحات میتوانم بگویم سازمان جوانان کمونیست هنوز کارش را در کردستان شروع نکرده است. اکنون من متقاعدم که در یک همفکری و هماهنگی بین رهبری سازمان جوانان